



سیر تحول صلاحیت دادگاه‌های نظامی از سال ۱۳۱۸ الی ۱۳۷۳ در ایران

ممدرفنا اسکندری

فصل اول

حدود صلاحیت محاکم نظامی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی:

مطابق ماده ۱ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ که مقرر می‌داشت: «رسیدگی به بزه‌های منتسب به نظامیان برطبق این قانون در دادگاه‌های اختصاصی نظامی به عمل می‌آید»^(۱)، که ناظر بر صلاحیت محاکم نظامی می‌باشد؛ کلیه جرائم منتسب به نظامیان از درجه جنحه و جنایت رسیدگی آن برعهده دادگاه‌های نظامی بوده و در امور خلافی، فرمانده، مطابق ماده ۴۱۹ قانون مذکور، جانشین دادگاه بود.

گفتار یکم - جرائم منتسب به نظامیان: جرائم منتسب به نظامیان، شامل جرائم خاص نظامی و جرائم عمومی به سبب خدمت و حین خدمت می‌گردید که در ذیل به شرح هر یک می‌پردازیم:

الف) جرائم خاص نظامیان (برخلاف تکالیف نظامی):

این دسته از جرائم که در قوانین عمومی کشوری پیش‌بینی نشده بود و برای اشخاص

عادی نیز جرم محسوب نمی‌گردید، ولی مصلحت و حسن انتظام خدمت نظامی ایجاب می‌کرد نظامیانی که مقررات مربوط به نظام را نقض کرده و برخلاف آن رفتار می‌نمودند، مرتکب جرائم خاص می‌شدند که ارتکاب آن فعل توسط یک فرد غیرنظامی ممکن نبود، مانند اهانت به مافوق و ترک پست که ماهیت این دسته جرائم تنها در خصوص نظامیان صدق می‌کرد، لذا جزو جرائم خاص نظامی محسوب می‌شدند.

مصادیق جرائم خاص نظامیان:

با توجه به تعریفی که از دسته اول جرائم نظامیان ارائه گردید، این‌گونه جرائم نظامی مربوط به نقض مقررات و ضوابط نظامی که توسط افراد خاص (نظامی) محقق می‌گردید که مستند قانون دادرسی و کیفر ارتش وقت عبارت بودند از:

- ۱- خیانت، جاسوسی، تحریک به خیانت (مواد ۳۱۰ الی ۳۱۵ قانون مذکور).
- ۲- سوء قصد نسبت به حیات شاه یا ولایتعهدی وی (مواد ۳۱۶ الی ۳۲۰)
- ۳- جنحه و جنایت برخلاف تکالیف نظامی

(مواد ۳۲۱ الی ۳۲۷)، ترک پست، خوابیدن سر پست و.....

- ۴- شورش، لغو دستور، تعرض به نگهبان، توهین و ترمز (مواد ۳۲۸ الی ۳۲۸).
- ۵- سوء استفاده از اختیارات و گزارش یا گواهی خلاف واقع (مواد ۳۳۹ الی ۳۵۰).
- ۶- فرار از خدمت (مواد ۳۵۱ الی ۳۷۵).
- ۷- فروش، حیف و میل، رهن گذاشتن و مخفی نمودن اشیای نظامی (مواد ۳۷۶ الی ۳۸۰).

۸- سرقت (مواد ۳۸۱ الی ۳۸۴).

۹- غارت و تخریب و منازعه (مواد ۳۸۵ الی ۳۹۱).

۱۰- سوء استفاده و جعل و تزویر در امور اداری و مالی ارتش (مواد ۳۹۲ الی ۳۹۷).

۱۱- ارتشا و اختلاس در امور اداری و مالی ارتش (مواد ۳۹۸ الی ۴۰۳).

۱۲- استعمال غیرقانونی البسه رسمی یا علامات یا نشانها و مدالهای نظامی (مواد ۴۰۴ الی ۴۰۷).

که با احصای این دسته از جرائم، بخشی از حدود صلاحیت ذاتی دادگاه‌های نظامی

تعیین شده بود.

ب) جرائم عمومی نظامیان که به سبب خدمت و حین خدمت محقق می‌شوند: این دسته از جرائم که شامل جرائم عمومی و احصاء شده در قانون مجازات عمومی سابق بوده مستنداً به ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌داشت: «صاحب منصبان و تابعین نظامی بری و بحری و همچنین مستحفظین سرحدی، هرگاه در موقعی که سرخدمت هستند متهم به ارتکاب جنحه یا جنایتی شوند رسیدگی به آن از خصایص محاکم نظامی است» (۲)، می‌باشند و هرگاه جرمی که جنبه عمومی داشته و توسط احدی از پرسنل نظامی ارتکاب یابد و مرتکب در سر خدمت نظامی بوده یا به واسطه شغل نظامی مرتکب آن شده باشد، مرجع رسیدگی آن مستنداً به مواد ۱۹۱، ۱۹۲ و ۱۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری خواهد بود.

مصادیق جرائم عمومی نظامیان که به سبب خدمت و حین خدمت محقق می‌شود: جرائم عمومی نظامیان که به سبب اشتغال به خدمت نظامی و عواقب تبعی آن باعث وقوع آن جرم می‌شود، مثل توقیف غیرقانونی و ورود غیرمجاز به منازل اشخاص، ارتکاب می‌یابد و یا در حین خدمت (زمانی که اشتغال به خدمت نظامی دارند با توجه به تفسیر مضیق تنها شامل آن ایامی است که مشغول انجام وظایف محوله می‌باشد، نه آن ایامی که در حال استراحت و یا مرخصی می‌باشد)، مثل فرار مجوسین، تبانی او در فرار یا شکنجه و اذیت و آزار متهم، اخاذی و غیره که معمولاً در زمان اشتغال به خدمت به وقوع می‌پیوندد که کلاً جرائم عمومی هستند که به سبب خدمت و یا حین خدمت معمولاً واقع می‌شوند، عبارتند از:

- ۱- شرکت در جرائم امنیتی، موضوع مواد ۶۰ الی ۹۲ قانون مجازات عمومی سابق.
- ۲- سهل انگاری و مسامحه در فرار متهم زندانی، ماده ۱۱۸ قانون مجازات عمومی سابق.
- ۳- تبانی و مساعدت در فرار مجوسین،

ماده ۱۱۹ قانون مجازات عمومی سابق.

- ۴- دخالت در امور عدلیه، ماده ۱۳۰ قانون مجازات عمومی سابق.
- ۵- ممانعت از اجرای احکام عدلیه، ماده ۱۲۹ قانون مجازات عمومی سابق.
- ۶- شکنجه و اذیت و آزار متهمین، ماده ۱۳۱ قانون مجازات عمومی سابق.
- ۷- خیانت در امانت، مواد ۲۳۹ الی ۲۴۱ قانون مجازات عمومی سابق.
- ۸- تبانی در معاملات دولتی، ماده ۱۵۳ قانون مجازات عمومی سابق.
- ۹- معدوم کردن اوراق دولتی، ماده ۱۵۸ قانون مجازات عمومی سابق.
- ۱۰- قتل، ضرب و جرح (حین خدمت)، مواد ۱۷۱، ۱۷۲ و ۱۷۳ قانون مجازات عمومی سابق.
- ۱۱- عمل منافی عفت، مواد ۲۰۷ الی ۲۱۴ قانون مجازات عمومی سابق.
- ۱۲- توقیف غیرقانونی اشخاص، ماده ۱۹۳ قانون مجازات عمومی سابق.
- ۱۳- ورود غیرمجاز به منازل اشخاص،

جرائم عمومی نظامیان که به سبب اشتغال به خدمت نظامی و عواقب تبعی آن باعث وقوع آن جرم می‌شود، مثل توقیف غیرقانونی و ورود غیرمجاز به منازل اشخاص، ارتکاب می‌یابد و یا در حین خدمت (زمانی که اشتغال به خدمت نظامی دارند با توجه به تفسیر مضیق تنها شامل آن ایامی است که مشغول انجام وظایف محوله می‌باشند، نه آن ایامی که در حال استراحت و یا مرخصی می‌باشند

ماده ۱۳۳ قانون مجازات عمومی سابق.

و هر نوع جرم عمومی که بتوان به سبب خدمت یا حین خدمت مرتکب آن شد، رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت محاکم نظامی بوده است.

ج: در امور خلافی و تخلفات انضباطی:

مستنداً به ماده ۴۱۹ قانون دادرسی و کیفر ارتش که مقرر داشته بود: «در دو مورد مذکور در پایین، کیفر به اختیار فرماندهان و رؤسای مربوط است و مرتکب به حبسی که مدت آن از یک ماه تجاوز نکند محکوم می‌شود.

۱- در صورتی که نظامیان مرتکب امور خلافی منظور در ماده ۲۷۶ قانون کیفر عمومی و آیین نامه‌های مربوط به آن ماده بشوند.

۲- در صورتی که تخلف از نظامات مربوط به انضباط باشد» (۳).

فرماندهان، جانشین دادگاه خواهند بود. این ماده در بند اول، ناظر بر کلیه امور خلافی است که معمولاً در قانون سابق جزای عمومی تحت عنوان امور خلافی (ماده ۲۷۶) احصاء و در بند «۲» آن، ناظر بر کلیه تخلفات انضباطی نظامیان است که در آیین نامه مربوط آمده است که معمولاً تخلفات انضباطی عبارتند از:

- الف) عدم آراستگی، نامناسب بودن وضع ظاهری و عدم توجه به نظافت شخصی.
 - ب) عدم رعایت سلسله مراتب فرماندهی و احترامات نظامی.
 - ج) بدرفتاری با پرسنل تحت امر.
 - د) عدم احساس مسئولیت و بی تفاوتی در خدمت و سستی در امور محوله.
 - ه) تأخیر غیر موجه و عدم دقت در ارائه گزارشات.
- و غیره که خود در جدول خاصی آمده است و میزان تنبیهات هم مشخص بود، حبس آن نباید از یک ماده تجاوز می‌کرد.
- گفتار ۲- توسعه صلاحیت دادگاههای نظامی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی:
- با گذشت زمان، بعد از تصویب قانون

کلید کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح اعم از ایرانی و غیرایرانی در مدت مزبور قرار دارند و همچنین جرائم آن دسته از پرسنل نظامی و انتظامی که به سایر سازمانها مأمور می‌شوند در مفاهم نظامی رسیدگی می‌شود و (رهایی از خدمت مانع از رسیدگی به جرائم زمان خدمت نظامی و انتظامی آنان نخواهد شد)

فصل دوم:

حدود صلاحیت دادگاههای نظامی بعد

از پیروزی انقلاب اسلامی

گفتار یکم - سیری بر تحولات سالهای (۱۳۵۷ الی ۱۳۶۴):

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی، طبق اصل ۱۷۲ که مقرر گردید، مرجع قضائی واحدی باید به جرائم خاص نیروهای مسلح رسیدگی کند، به علت مشکلات عدیدهای که در رهگذر انقلاب وجود داشت؛ این امر مهم تا اواخر سال ۱۳۶۴ ممکن نگردید، ولی مراجع زیر رسیدگی به جرائم نیروهای مسلح را به عهده داشته‌اند:

۱- سازمان قضائی ارتش؛

۲- دادسرا و دادگاه انقلاب ارتش؛

۳- دادسرا و دادگاه انقلاب و عمومی پاسداران؛

سازمان قضائی ارتش همان دادرسی سابق بود که با پاک‌سازی عناصر ضدانقلاب آن و جایگزینی نیروهای متعهد و متخصص براساس همان قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و اصلاحات آن، به جرائم

دادرسی ارتش در سال ۱۳۱۸، با تصویب قوانین جدید، صلاحیت دادگاههای نظامی توسعه یافت که علاوه بر افراد نظامی، افراد عادی و غیرنظامی را نیز در شرایطی شامل می‌شد و داخل در صلاحیت محاکم نظامی می‌گردید و به مرور زمان سایر نیروهای مسلح و سایر جرائم عمومی آن‌ها داخل در صلاحیت محاکم نظامی گردید که بعضاً در ذیل به آن‌ها اشاره خواهد شد.

(الف): جرائم امنیتی، موضوع مواد ۶۰ الی ۸۰ قانون مجازات عمومی سابق.

(ب): راهزنی در راه‌ها و شوارع و سرقت مسلحانه توسط نظامیان و غیرنظامیان، مطابق ماده ۴۰۸ قانون دادرسی ارتش.

(ج): جرائم پرسنل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، مطابق ماده ۳ قانون تشکیل آن، مصوب ۱۳۳۵.

(د): جرائم پرسنل شهربانی و ژاندارمری، موضوع تبصره ۱ ماده واحده قانون مجازات آن پرسنل، مصوب ۱۳۴۴.

(ه) جرائم گارد صنعت نفت، موضوع تبصره ۳ ماده واحده مصوب تیر ۱۳۵۱.

(و): مجازات مرتکبین اصلی جرائم مندرج در قانون منع کشت خشخاش، مصوب ۱۳۴۸.

ز: کلیه کسانی که در زمان جنگ با ارتش وارد قرارداد می‌شوند، مثل رانندگان، کسبه و قاطرچیان غیرنظامی، ماده (۱۰۴) قانون دادرسی ارتش.

(ح): جرائم کلیه افراد نظامی یا غیرنظامی در زمان وقوع حکومت نظامی، در قانون آن

مصوب ۱۳۲۹ و مواد ۷۸ الی ۱۱۱ قانون دادرسی ارتش. بنابراین ملاحظه می‌گردد با مرور زمان، حوزه صلاحیت محاکم نظامی به شرح فوق توسعه یافت و افراد عادی را چه در زمان جنگ و یا حکومت نظامی و یا دیگر افراد مسلح به لحاظ اهمیت حفظ صیانت قوای مسلح و امنیت کشور، داخل در صلاحیت محاکم نظامی گردید و به آن وجاهت قانونی داده بودند.

ارتش نیز که براساس نیازهای ضروری انقلاب به دستور حضرت امام خمینی (ره) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شده بود تا آبان ۱۳۵۸، به جرائم ضدانقلاب و نظامیان ارشد که در تحکیم نظام گذشته و سرکوب مردم دخالت داشته‌اند، رسیدگی می‌کرد و بدون تشریفات، حکم مقتضی را صادر و بلافاصله به اجرا می‌گذاشتند و احکام آن دادگاه قطعی و لازم‌الاجرا بود؛ یعنی قابل تجدید نظر نبود و دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی و عمومی پاسداران که در سال ۱۳۵۹ براساس مصوبه شورای عالی قضائی تشکیل گردید، به جرائم خاص پرسنل سپاه و کمیته انقلاب اسلامی رسیدگی می‌کرد تا این که در سال ۱۳۶۲، شورای عالی قضائی پیش از دادگاههای کیفری یک و دو، در تاریخ ۱۶/۱۶/۶۱ با کسب اجازه از حضرت امام خمینی (ره)، در کنار دادگاههای انقلاب اسلامی پاسداران، اقدام به تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو پاسداران نمود تا به جرائم عمومی پاسداران نیز در این محاکم رسیدگی گردد که بدین ترتیب تشکیلات قبلی به دادگاه و دادستانی انقلاب اسلامی و عمومی پاسداران تغییر نام یافت و به کلیه جرائم اعم از سپاه و کمیته رسیدگی می‌کرد و این امر تا تشکیل سازمان قضائی نیروهای مسلح ادامه داشت.

این توضیحات هرچند مدخلیتی در بحث صلاحیت محاکم به طور جدی ندارد، ولی به نظر می‌رسد به خاطر بیان این فاصله زمانی، یعنی سال ۵۷ الی ۶۴ که تقریباً قانون جدید هنوز برای نیروهای مسلح ایجاد نشده بود و این تشکیلات عملاً به خاطر ضرورت‌های انقلاب ایجاد شده بود و خود سهم به‌سزایی در تحمل بار انقلاب در جهت تحکیم مبانی آن به عهده داشت. لذا لازم بود که به این دستگاه قضائی اشاره‌ای هرچند کوتاه به عمل آید. ولی از سال ۱۳۶۵ عملاً نیروهای مسلح دارای مرجع واحد قضائی گردیدند و صلاحیت ذاتی، اضافی، نسبی و محلی محاکم که به

مرور تعیین گردید و با کسب اجازه‌های بعدی از مقام معظم رهبری، مشکلات قانونی در مقاطع مختلف حل گردد. هرچند هنوز نیازهای قانونی و خلاءهایی در آن به نظر می‌رسد که ان‌شاءالله بحث آن به تفصیل آورده خواهد شد.

۲- حدود صلاحیت دادگاههای نظامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سال (۶۵ الی ۷۳):

بر اساس اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی که مقرر می‌دارد: «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد. ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند». (۴) در این اصل مهم چند نکته تعیین‌کننده معیار صلاحیت محاکم نظامی آورده شده است که حدود کلی صلاحیت محاکم نظامی را ترسیم می‌کند. یکی این که به جرائم خاص نظامی و انتظامی تنها محاکم نظامی رسیدگی خواهد نمود و نکته بعدی این که در رابطه با جرائم عمومی آنان و یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند، محاکم عمومی صالح به رسیدگی خواهند بود. نکته مهم همین است که محاکم نظامی از وابستگی به ارتش و نیروهای مسلح، خارج شده و در نظام قوه قضائیه داخل خواهد شد که خوشبختانه در سال ۱۳۶۴، بعد از گذر از مشکلات اجرایی مملکت، مجلس شورای اسلامی در اجرای اصل فوق در مورخه ۶۴/۴/۲۲، قانون دادرسی نیروهای مسلح را در ۱۲ ماده و ۸ تبصره به تصویب رسانید و پس از تأیید شورای نگهبان، از ابتدای سال ۱۳۶۵، سازمان قضائی نیروهای مسلح از ادغام سازمان قضائی ارتش (اداره دادرسی

در گفتار دوم، از جرائم عمومی آنان که به سبب خدمت و یا حین خدمت حادث می‌شود، می‌پردازیم و سپس روند توسعه صلاحیت محاکم نظامی را ملاحظه بررسی خواهیم نمود.

گفتار دوم - جرائم منتسب به نظامیان:

با ملاحظه ماده یک دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۳، دریافتیم که جرائم منتسب به نظامیان می‌تواند به دو دسته تقسیم شوند، یکی جرائم خاص نظامی و انتظامی و دسته دیگر جرائم عمومی آنان که معمولاً به واسطه خدمت و یا در حین خدمت (سرخدمت) حادث خواهد شد.

الف: جرائم خاص نظامیان (برخلاف شکایت و مقررات نظامی و انتظامی):

این دسته از جرائم فقط در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ آمده است که الزاماً مرتکب آن‌ها اعضای نیروهای مسلح خواهند بود و در قوانین جزایی عمومی، این افعال مثبت برای مرتکب آن جرم تلقی نمی‌شود.

قبل از بیان جرائم خاص، لازم است دامنه صلاحیت شخص یا به عبارتی، مشمول این قانون را نسبت به افراد آن بدانیم، سپس به تشریح و بیان جرائم خاص بپردازیم، ماده یک قانون اخیرالذکر شامل اشخاص زیر می‌گردد:

- ۱- کلیه پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای تابعه (حفاظت و اطلاعات - عقیدتی و سیاسی).

- ۲- کلیه پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمانهای وابسته و اعضای بسیج مستضعفین.

- ۳- کلیه پرسنل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمانهای تابعه (اتکاء - ساعد و ...).

- ۴- کلیه پرسنل وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان خدمت (دوره ضرورت ۲ ساله).

- ۵- کلیه پرسنل مشمول قانون نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی.

- ۶- محصلان مراکز آموزشی نظامی و

سابق) و دادرسی و دادگاه انقلاب و عمومی پاسداران به وجود آمد. ماده یک و تبصره‌های ذیل آن از قانون اخیرالذکر، خطوط کلی صلاحیت محاکم نظامی را تعیین و مشخص نموده است. به این مضمون که در ماده یک رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح و هر نیروی مسلح قانونی دیگر را در صلاحیت دادگاه‌های نظامی قرار داده و در تبصره ۱ آن، به تشریح وظایف خاص و در ارتباط با وظایف خاص پرداخته است. همچنین در تبصره ۲ آن، جرائم در مقام ضابط دادگستری را در حوزه صلاحیت دادگستری قرار داده و در ماده ۲ قانون مذکور، صلاحیت نسبی دادگاههای نظامی را تعیین و مشخص کرده که آن‌ها را به نظامی یک و دو تقسیم نموده است و کیفیت تشکیل آن‌ها را مستند به ماده ۳ همان قانون، کیفیت تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو دادگاههای عمومی قرار داده است. بنابراین در گفتار اول، از حدود صلاحیت محاکم نظامی و بحث از جرائم خاص نظامی و

مصادیق جرائم عمومی (در ارتباط با وظایف خاص):

- ۱- شرکت در جرائم امنیتی؛
- ۲- سهل‌انگاری و مستامه در فرار متهم زندانی؛
- ۳- افادی؛
- ۴- شکنجه و اذیت و آزار متهمین؛
- ۵- سوء استفاده از موقعیت شغلی؛
- ۶- توهیف غیرقانونی اشخاص و ورود غیرمجاز به فانه اشخاص و غیره....

انتظامی.

۷- کلیه کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح اعم از ایرانی و غیرایرانی در مدت مزبور قرار دارند و همچنین جرائم آن دسته از پرسنل نظامی و انتظامی که به سایر سازمانها مأمور می‌شوند در محاکم نظامی رسیدگی می‌شود و رهایی از خدمت مانع از رسیدگی به جرائم زمان خدمت نظامی و انتظامی آنان نخواهد شد.

مصادیق جرائم خاص نظامی مستنداً به قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱:

۱- کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی (مواد ۸ الی ۱۴ مذکور).

۲- جرائم برخلاف تکالیف نظامی (مواد ۱۵ الی ۳۷ قانون مذکور)، از قبیل؛ لغو دستور، تیراندازی برخلاف مقررات، خوابیدن سرپست، اهانت به مافوق، خودزنی و ایجاد جو بدبینی و غیره....

۳- فرار از خدمت (مواد ۳۸ الی ۵۶).

۴- گزارش خلاف واقع و کتمان حقیقت (ماده ۵۷).

۵- تقلب و دسیسه در امور نظام وظیفه (مواد ۵۸ و ۵۹).

۶- فروش و حیف و میل و رهن گذاشتن اشیای نظامی (مواد ۱۶ الی ۶۶).

۷- سرقت وسایل نظامی و اسلحه و مهمات (مواد ۶۷ الی ۷۱).

۸- آتش زدن و تخریب (مواد ۷۲ الی ۷۴).

۹- سوء استفاده و جعل و تزویر (مواد ۷۵ الی ۹۲).

۱۰- ارتشاء و اختلاس (مواد ۹۳ و ۹۴).

۱۱- استفاده غیرقانونی البسه رسمی یا علامات و نشانه‌ها و مدالهای نظامی (مواد ۹۵ و ۹۶).

بنابراین، در جرائم فوق ذاتاً مرتکب آن‌ها فقط پرسنل نظامی و انتظامی هستند و به جرائم خاص آنان تعبیر شده است و این جرائم حدود صلاحیت محاکم نظامی را تعیین می‌کند و یا به عبارتی، صلاحیت ذاتی محاکم

سازمان قضائی نیروهای

مسلح بعد از سال ۱۳۶۱ و

تصویب قانون آیین دادرسی

نیروهای مسلح، همواره با

این مشکل مواجه بود که اگر

در مین تمقیقات مقدماتی از

پرسنل نیروها، اتهامات

دیگری کشف شود که از جمله

جرائم عمومی باشند، کدام

مرجع صالح به رسیدگی

است

مذکور راتعیین کرده است.

ب) جرائم عمومی نظامیان:

تبصره یک ماده ۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح که قبلاً شرح آن را آورده‌ایم ناظر بر جرائم عمومی پرسنل نیروهای مسلح است که معمولاً به واسطه ارتباط با وظایف خاص آن‌ها حادث می‌شود؛ مثلاً: یک مأمور انتظامی در مأموریت ابلاغ احضاریه بدون کسب اجازه از مقام قضائی یا صاحب خانه وارد خانه فرد احضار شونده می‌شود که در این حالت جرمی را مرتکب شده است که تحت عنوان ورود غیرمجاز به منازل اشخاص مستقیماً ناشی و در ارتباط با وظیفه خاص او بوده است، لذا این دسته از جرائم جزء جرائم عمومی هستند که در قانون مجازات نیروهای مسلح آورده نشده و مرتکب آن به واسطه ارتباط کاری و وظایف محوله برای او ایجاد می‌شوند که ما در اینجا به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

مصادیق جرائم عمومی (در ارتباط با وظایف خاص):

۱- شرکت در جرائم امنیتی؛

۲- سهل انگاری و مسامحه در فرار متهم

زندانی؛

۳- اخاذی؛

۴- شکنجه و اذیت و آزار متهمین؛

۵- سوء استفاده از موقعیت شغلی؛

۶- توقیف غیرقانونی اشخاص و ورود

غیرمجاز به خانه اشخاص و غیره....

و هر جرم دیگری که در ارتباط با وظایف

خاص نظامی و انتظامی ممکن باشد به وقوع

پیوندد، در صلاحیت محاکم نظامی خواهد

بود. البته لازم به ذکر است که به رغم تبصره ۲

همین ماده که جرائم در مقام ضابط

دادگستری را در صلاحیت محاکم عمومی

قرار داده است و از دسته جرائم در ارتباط با

وظایف خاص به شمار می‌آید، طی اجازه‌ای از

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۳ تحت

عنوان جرائم در حین خدمت، به نوعی جواز

رسیدگی به محاکم نظامی داده شده است که

البته این جواز، نفی کننده صلاحیت محاکم

عمومی مستنداً به تبصره ۲ ماده مذکور

نخواهد بود، لیکن سبب گشایش بابتی برای

توسعه صلاحیت محاکم نظامی شده که در

مبحث مربوط توضیح داده خواهد شد. بنابراین

این دسته از جرائم عمومی در صلاحیت

محاکم نظامی قرار دارد.

گفتار سوم - توسعه صلاحیت

دادگاههای نظامی بعد از پیروزی انقلاب

اسلامی:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که قاعده

نظام اداری و قضائی، فرهنگی جامعه

دستخوش تحول گردید، قانون دادرسی

نیروهای مسلح هم ناگزیر از قبول این

تحولات ماهوی و شکلی بود که برای اولین بار

در سال ۱۳۶۴، قانون آیین دادرسی در ۱۲

ماده و ۸ تبصره از تصویب مجلس و تأیید

شورای نگهبان گذشت؛ لیکن با توجه به

تعریف جرائم خاص نظامیان که در ماده یک

قانون مذکور آمده، تعریف روشنی از جرائم

در ارتباط با وظایف خاص نظامیان به میان

نیامده بود، لذا همواره این ابهام باعث یک

معضل قضائی در محاکم عمومی و نظامی

گردید و یا بعضاً باعث صدور قرار عدم صلاحیت محاکم را در پی داشت و از طرفی، مشخص نبود اگر متهمی جرائم متعدد عمومی و نظامی داشت کدام مرجع صالح به رسیدگی است که موجبات اطاله وقت دادرسی محاکم را فراهم می‌کرد، لذا سازمان قضائی نیروهای مسلح بر آن شد تا حدودی این معضلات را رفع نماید. لذا با کسب اجازه از مقام معظم رهبری و طرح مشکلات موجود در مجمع تشخیص مصلحت نظام، توانست تا حدود زیادی ابهامات مذکور را رفع نماید و حدود جرائم در حین خدمت و یا در ارتباط با وظایف خاص را مشخص نماید. هرچند باید اذعان داشت که جرائم در حین خدمت و یا جرائم سرخدمت، در سابق در قانون دادرسی ارتش دارای مفهوم روشن تری بود. بنابراین، با توجه به گذر از این معضلات حقوقی، جهت توسعه صلاحیت محاکم نظامی به شرح ذیل بوجود آمد که به ترتیب تصویب، بیان خواهد شد.

الف: استیجازه مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۰ (جرائم پرسنل وزارت اطلاعات):

پرسنل وزارت اطلاعات از جمله پرسنل مسلح کشور محسوب می‌شوند و با توجه به این که در ماده یک قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ در بندهای هفتگانه آن، این نیروی مسلح را مشمول قانون مذکور محسوب نکرده بود، ولی از طرفی، در قسمت اخیر ماده ۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۶۴، قید «و هر نیروی مسلح قانونی دیگر» را داخل در صلاحیت محاکم نظامی نموده بود. اما همچنان این ابهام برای مسئولین اجرای قانون وجود داشت که جرائم پرسنل وزارت اطلاعات در صلاحیت کدام محکمه می‌باشد. با کسب اجازه شماره ۱۱۶۸/۱/۱۹-۲۰/۱۰ دفتر مقام معظم رهبری، جرائم این دسته از پرسنل مسلح داخل در صلاحیت محاکم نظامی گردید و رفع ابهام حقوقی به عمل آمد و اما

لازم به ذکر است که در تبصره ۲ ماده ۳ قانون مربوط به تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (سابق)، رسیدگی به جرائم نیروهای امنیتی را داخل در صلاحیت محاکم نظامی قرار داده بود.

ب: مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۷۳ (جرائم توأم نظامیان و اسرای جنگی):

سازمان قضائی نیروهای مسلح بعد از سال ۱۳۶۴ و تصویب قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح، همواره با این مشکل مواجه بود که اگر در حین تحقیقات مقدماتی از پرسنل نیروها، اتهامات دیگری کشف شود که از جمله جرائم عمومی باشند، کدام مرجع صالح به رسیدگی است: هرچند مشخص بود که سایر جرائم عمومی نیروهای مسلح در حوزه صلاحیت محاکم عمومی بوده، ولی همواره این معضل رسیدگی و تفکیک کردن پرونده و صدور قرار عدم صلاحیت را برای قضات نظامی، به همراه داشت. هرچند ماده ۱۹۷ آیین دادرسی کیفری راهکارهایی برای

دلیل دیگر این که، هدف قانونگذار از جرائم مین خدمت که خود شامل کلیه جرائم آنها خواهد بود این است که به خاطر حفظ میثیت پرسنل نظامی و مصالح نظام، هیچگاه جرائم نظامیان خارج از سیستم نظامی بررسی نشود و همواره هر جرمی در حیطه نظام و دادگاههای نظامی بررسی شود تا حفظ مصالح نظامی گری شده باشد

اتهامات متعدد یک متهم ارائه داده است ولی همچنان این مشکل وجود داشت که جرم مهم کدام است، و این مسئله نیز باقی بود که مصلحت نیروهای مسلح براین است که به جرائم آنان در مرجعی رسیدگی شود که جنبه تخصصی و رعایت جنبه‌های مصالح نظام و نظامی‌گری را حفظ کرده باشد. لذا مسئولین سازمان قضائی به منظور رفع ابهامات و معضلات پیش روی قضات، براین شدن که رویه واحد و مفیدی را به قضات محاکم نظامی ارائه نمایند که تمامی خواسته‌های منظور را برآورده سازد.

لذا با تصویب مصوبه شماره ۱۹/۳۶ ق - ۱۳۷۳/۵/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، حدود صلاحیت آن محاکم توسعه یافت و مقرر گردید که «هرگاه در حین تحقیقات و رسیدگی به جرائم خاص نظامی و انتظامی جرائم دیگری کشف شود، سازمان قضائی نیروهای مسلح مجاز به رسیدگی می‌باشد»، و در بند دیگر این مصوبه آمده بود که جرائم اسرای ایرانی و خارجی در طول مدت اسارت، در صلاحیت محاکم نظامی است. لذا با تصویب این مصوبه تا حدود زیادی مشکلات حقوقی سازمان قضائی مرتفع گردید هرچند باید اذعان داشت این مصوبات در قانون سابق دادرسی ارتش هم وجود داشته و خالی از سابقه نبوده است.

بنابراین، این مصوبه باعث شده که جرائم توأم (دیگر) نظامیان در مرجع نظامی رسیدگی شود، مثلاً چنانچه متهمی ابتدا تحت عنوان فرار از خدمت مورد تعقیب قرار بگیرد و کشف گردد که وی مبادرت به استعمال مواد مخدر نیز نموده است و یا خانواده وی از او شاکی شوند که نفقه افراد واجب‌النفقه را هم پرداخت نمی‌نماید و یا همسر و فرزندان خود را مورد ایراد ضرب و جرح قرار داده است، دادگاه نظامی که به جرم فرار رسیدگی می‌نماید مجاز خواهد بود به کلیه اتهامات منتسب به متهم رسیدگی نموده و مبادرت به اصدار رأی مقتضی نماید.

مختلف آن را بیان نماییم سپس به شرح و نقد آن‌ها بپردازیم.

نظریه اول: حین خدمت را بدین معنا می‌دانند که مشمول مدت زمانی می‌شود که پرسنل به کار نظامی مشغول هستند و ایام استراحت و مرخصی جزو این ایام نخواهد بود.

نظریه دوم: قید «حین خدمت» را مشمول کل مدتی می‌دانند که فرد یا در خدمت زیرپرچم می‌باشد، مثل پرسنل وظیفه در طول مدت دوران خدمت وظیفه و برای پرسنل کادر مادامی که رابطه استخدامی و اشتغال و ثبت نام آن‌ها در دفاتر به عنوان افراد حاضر به کار و حاضر به خدمت باشد و به طور کلی، در این نظرات قید «حین خدمت» شامل تمام این مدت می‌شود؛ یعنی از بدو استخدام تا انقضای این رابطه با نیروها مسلح مدنظر می‌باشد.

دلیل معتقدان به نظریه اول: این دسته قایل به تفسیری محدود و مضیق از قوانین کیفری هستند. لذا حین خدمت را تنها محدود به زمانی می‌نمایند که فرد از اول وقت اداری تا پایان وقت اداری مشغول به خدمت است.

دلیل معتقدان به نظریه دوم: ۱- هدف قانونگذار از قید «حین خدمت» این بوده که جرائم خارج از وظایف خاص نظامی‌گری را هم مشمول حدود صلاحیت محاکم نظامی بنماید که اگر هدفی غیر از این بوده، هیچگاه جرائم عمومی پرسنل نظامی به جز جرائم درارتباط با وظایف خاص، داخل در این صلاحیت نمی‌شوند.

۲- دلیل دیگر این که، هدف قانونگذار از جرائم حین خدمت که خود شامل کلیه جرائم آن‌ها خواهد بود این است که به خاطر حفظ حیثیت پرسنل نظامی و مصالح نظام، هیچگاه جرائم نظامیان خارج از سیستم نظامی بررسی نشود و همواره هر جرمی در حیطه نظام و دادگاههای نظامی بررسی شود تا حفظ مصالح نظامی‌گری شده باشد.

۳- با توجه به سابقه قانون دادرسی ارتش، مشی مجریان قانون بعد از انقلاب همواره این

با توجه به سابقه قانون دادرسی ارتش، مشی مجریان قانون بعد از انقلاب همواره این چنین بوده که کلیه جرائم افراد نظامی در محاکم نظامی رسیدگی شود که این تلاش در جهت توسعه (جرائم توأم - جرائم مین خدمت - جرائم امنیتی و غیره...) بوده و سابقه قانون نظامی نیز مسبوق به همین امر است که جرائم پرسنل نظامی مادام که رابطه استخدامی دارند، داخل در صلاحیت محاکم نظامی خواهد بود

آمار جزو خدمتگزاران حاضر ثبت بود» داخل در صلاحیت محاکم نظامی هستند. در ماده (۹۲) همان قانون مقرر داشته بود که کلیه پرسنلی که در حال انتظار به خدمت یا در مرخصی هستند از حیث صلاحیت، تابع دادگاههای نظامی می‌باشند. بنابراین با توجه به این قیود که اعلام داشته مادام که زیرپرچم خدمت می‌کنند یا در مرخصی هستند یا جزو پرسنل حاضر هستند، مشمول دادرسی ارتش خواهند بود، می‌توان نتیجه گرفت که مادامی که پرسنل، اشتغال به خدمت دارند (حین خدمت) داخل در صلاحیت محاکم نظامی خواهند بود. از این تعریف قانونگذار می‌توان نتیجه گرفت که نظامیان، هر جرمی را که در حین خدمت انجام داده‌اند (امنیتی و غیره) داخل در صلاحیت محاکم نظامی می‌باشد. بنابراین، توسعه را که امروز قانونگذار ما آن را داخل در صلاحیت محاکم نظامی می‌نماید، سابق براین هم در صلاحیت محاکم نظامی بوده است.

فصل سوم

تحلیلی بر توسعه صلاحیتی

گفتار یکم - نقدی بر کلمه «حین خدمت»:
قید «حین خدمت» یکی از واژه‌های مورد بحث و اختلافی صاحب نظران نظر در محاکم نظامی می‌باشد که لازم است ابتدا تفاسیر

ج: اجازه از مقام معظم رهبری در سال ۷۳ (جرائم امنیتی نظامیان و حین خدمت آنها):

سازمان قضائی در پی معضلات حقوقی موجود و به علت وجود خلاء قانونی، در سال ۱۳۷۳ طی نامه‌ای از ریاست محترم قوه قضائیه درخواست نمود تا از مقام معظم رهبری و فرماندهی کل نیروهای مسلح کسب اجازه شود که این سازمان مجاز باشد به جرائم امنیتی پرسنل نیروهای مسلح و جرائم در حین خدمت آن‌ها رسیدگی نماید.

این درخواست، مورد موافقت مقام معظم رهبری قرار گرفت و طی نامه شماره ۲۰/۱۱/۷۳-۷۳/۲۹۹/۷۳ قوه قضائیه، مراتب موافقت ایشان به سازمان قضائی ابلاغ گردید.

البته روشن است که صدور جواز رسیدگی به اتهامات منتسب به متهم که در حین خدمت (زمانی که متهم در استخدام نیروهای مسلح است یا به عبارت مضیق‌تر زمانی که سرخدمت می‌باشد) تا حدود زیادی شامل کلیه جرائم منتسب به وی خواهد گردید، و این موضوع جرائم امنیتی را هم دربر خواهد گرفت؛ ولی پیشنهاد دهندگان درخواست حتماً نظرشان درخصوص جرائم حین خدمت نظر مضیق‌تر بوده و این امر را تفکیک کرده و جرائم سیاسی را نیز احتمال داده‌اند که در حین خدمت به وقوع نپیوندد. لذا تقاضای خود را در دو عنوان مطرح کرده‌اند که به هر حال این اجازه، جواز رسیدگی به این جرائم را به محاکم نظامی داده است، ولی لازم به ذکر است که این دو عنوان سابقاً در قانون دادرسی ارتش وجود داشته است؛ زیرا در مواد (۹۰ و ۹۱) آیین دادرسی ارتش مقرر شده بود: «هر شخصی که خواه مطابق قانون نظام وظیفه یا به نحو دیگر در خدمت زیر پرچم ارتش باشد، تابع دیوانهای حرب عادی خواهد بود» یا این که مقرر داشته بود: «..... افسران و درجه‌داران و افراد صنوف مختلفه اعم از که در ارتش خدمت می‌نمایند، مادام که اشخاص فوق در سرخدمت هستند یا اسامی آنان در دفاتر

چنین بوده که کلیه جرائم افراد نظامی در محاکم نظامی رسیدگی شود که این تلاش در جهت توسعه (جرائم توأم - جرائم حین خدمت - جرائم امنیتی و غیره...) بوده و سابقه قانون نظامی نیز مسبوق به همین امر است که جرائم پرسنل نظامی مادام که رابطه استخدامی دارند، داخل در صلاحیت محاکم نظامی خواهد بود.

بنابراین به نظر می‌رسد هدف قانونگذار نیز همین نظریه دوم بوده است که مصلحت نیروهای مسلح هم همین است.

گفتار دوم - نقدی بر اجازه از مقام معظم رهبری:

در نگاه اول، اندیشمندان و صاحبان نظران علم حقوق، عقیده دارند که این توسعه‌های صلاحیت مبتنی بر کسب اجازه، به دلیل این که از مجلس شورای اسلامی عبور نکرده‌اند و مدون نشده‌اند، یعنی شکل قانونی به خود نگرفته‌اند، و جاهت قانونی نداشته و بقای آن را در قانونی شدن آن‌ها می‌دانند.

البته با توجه به استدلال آن‌ها که متکی بر اصل (۱۵۹) قانون اساسی است که مقرر داشته است: «... تشکیل دادگاه‌ها و تبیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است»؛ اولاً: این ایراد در ابتدا صحیح به نظر می‌رسد، ولی این استدلال نمی‌تواند اندیشه یک محقق را اقناع نماید و باید در روح قوانین جستجو کرد و روح قانون اساسی را کشف کرد تا بتوان تحقیقی توأم با عمل بیشتر و عمیق‌تر را به دست آورد. لذا نظر دیگر صاحبان علم و اندیشه راهم بررسی می‌کنیم.

در نگاه دوم، علما و صاحب نظرانی نیز این مسئله را از دید فقهی بررسی می‌کنند که نظام مقدس جمهوری اسلامی بر پایه حاکمیت ولایت فقیه استوار می‌باشد که در واقع روح قانون اساسی را در او می‌بینند و معتقدند که ولی امر مسلمین نظرش برتر از قانون است و ولایت ایشان را مطلق می‌دانند؛ چرا که ما بر این اعتقاد هستیم که مشروعیت نظام الهی با ولی فقیه است که نظرات و دستورات ایشان او

ما فوق قانون است و با توجه به این که در اکثر کشورها، نظرات رهبران و سلاطین همواره منبع علم حقوق بوده است، لذا نظرات ولی فقیه در طول قانون قرار می‌گیرد، نه در عرض آن. و مستنداً به آیه شریفه: «اطیعوا... و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»، نظام جمهوری اسلامی نیز قانونش را از رهبری اخذ می‌کند. بنابراین نظر ایشان اشراف بر قانون دارد. لذا اشکالی بر این امر دیده نمی‌شود و نمی‌توان بر این استیجازه‌ها ایرادی گرفت.

گفتار سوم - نتیجه گیری:

الف: توسعه صلاحیت محاکم نظامی با تعریف قانونی که از نیروهای مسلح گردید، امری اجتناب‌ناپذیر بوده و تحولات انقلاب که قوانین کیفری هم گریزی از آن‌ها نداشتند و وجود خلاءهای قانونی نیز این توسعه‌ها را طلب می‌نمود و به علت ضرورت‌های موجود، این استیجازه‌ها تنها راه حل سریع معضلات حقوقی بوده است که مجریان قانون مجبور به انتخاب آن بوده‌اند.

ب: این موضوع در گذشته و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز دارای سابقه بوده است و خیلی از معضلات حقوقی قبل از قانونی کردن راه حل‌ها به این صورت حل شده‌اند که مقام معظم رهبری هم در صدور این مجوزات مقرر فرموده‌اند تا قانونی شدن این امورات بدین شکل عملی گردد، یعنی جواز این امور تا زمان مدون کردن قانون بوده است، نه برای همیشه.

ج: این اجازه‌ها، ناقض حدود صلاحیت دیگر مراجع نبوده و تنها جواز رسیدگی به محاکم نظامی بوده و هم‌زمان چنانچه امری مشابه، به دیگر محاکم ارجاع شود، آن‌ها نیز صالح به رسیدگی بوده و هستند.

د: به عقیده نگارنده نیز بعد از گذر از معضلات جامعه باید به قانونی کردن این اجازه‌ها مبادرت نمود که ان شاء... مسئولین اقدام لازم را خواهند کرد و نکته مهم هم این است که اعتقاد ما بر این است که ولی امر مسلمین ما فوق بر قانون است و صدور این

اجازه‌ها در حیثه اختیارات ایشان می‌باشد.
ه: مقام قضاوت، بخشی از مسئولیت پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و ولی امر مسلمین می‌باشد و تمامی دست‌اندرکاران امر قضاء، به اعتبار جواز ایشان مشغول به قضاوت می‌باشند. بنابراین، دستورات ایشان در این امر، خالی از اشکال خواهد بود. به نظر نگارنده، این اجازات چون ناشی از اراده ولی امر مسلمین بوده و از آنجاکه بنا بر اعتقادات قلبی و دینی ما و روح حاکم بر قانون اساسی، نظرات ایشان ما فوق بر قانون است، لذا صدور این استیجازه‌ها و عمل به آن‌ها و جاهت شرعی و قانونی دارد؛ چراکه روح قانون اساسی که خود ریشه و اصل سایر قوانین است، ولایت مطلقه ولی امر مسلمین است. اما از آنجایی که همین قانون اساسی اشاره به این مطلب دارد که حدود صلاحیت محاکم منوط به قانون است (اصل ۱۵۹) و با توجه به نظر مقام معظم رهبری که حین صدور این اجازه‌ها اعلام نموده‌اند که این اجازات تا زمان قانونی شدن موارد خواسته شده خواهد بود، که بیانگر مدنیت خواهی مقام بزرگوار ولی فقیه می‌باشد و احترام به قانونی بودن دادگاه‌ها و جرائم و مجازات‌هاست؛ لذا جای هیچ‌گونه شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که صرف صدور اجازات، مسئله‌ای خلاف قانون نیست؛ چراکه نظام ما ولایتی است و فرمایشات ولایت امر در حکم قانون است و اما باید وفق نظرات مقام معظم رهبری هر چه سریعتر این موارد را مدون و از مجلس شورای اسلامی گذرانید تا جای هیچ‌گونه بحث و شبهه‌ای باقی نماند، هر چند این گونه بحثها در مجامع علمی و فرهنگی، نشان از سلامت سیاسی جامعه دارد.

پی‌نوشتها:

- ۱ - کمانگیر، احمد، قوانین جزایی، انتشارات جاویدان، ص ۲۴۰، سال ۱۳۷۵.
- ۲ - حجتی اشرفی، غلامرضا، مجموعه قوانین جزایی، انتشارات گنج دانش، ص ۵۹، سال ۱۳۷۲.
- ۳ - کمانگیر، احمد، قوانین جزایی، انتشارات جاویدان، ص ۵۷، سال ۲۴۶.
- ۴ - قربانی، فرج‌الله، مجموعه کامل قوانین و دستورات اساسی و مدنی، انتشارات دانشور، ص ۹۲، سال ۱۳۷۴.